



### مقدمه

پاسخ به این پرسش که استانداردهای حسابرسی چگونه حساب‌رسان را در کشف و پیشگیری از گزارشگری مالی متقلبانه، یاری می‌رسانند، همواره از دلمشغولیهای حساب‌رسان بوده است. در دهه‌های اخیر، تدوین‌کنندگان استاندارد با تدوین استانداردهای جدید سعی داشته‌اند توان حساب‌رسان را در زمینه کشف و پیشگیری از تقلب افزایش دهند و این امر حکایت از جایگاه ویژه این موضوع در حرفه حسابرسی داشته است. برخی صاحب‌نظران بر این باورند که در آینده به علت پیشرفت تکنولوژی و حذف اشتباه‌های غیر عمدی در صورتهای مالی، تقاضا برای ارائه خدمات حسابرسی تنها به توانایی حساب‌رسان در کشف و پیشگیری از تقلب بستگی خواهد داشت. لذا تدوam حیات حرفه حسابرسی مستلزم ارتقای توان حساب‌رسان در کشف و پیشگیری از تقلب است. با توجه به محدودیتهای ادراکی حساب‌رسان در امر کشف و پیشگیری از تقلب، انتظار می‌رود استانداردهای حسابرسی به جبران این محدودیتهای بپردازند. در این مقاله می‌کوشیم ضمن بیان مفاهیم استدلال راهبردی و تئوری بازیها به کاربرد آنها در امر کشف و پیشگیری از تقلب نیر اشاره کنیم.

کلمه حمیده اثنی عشری، مصطفی احمدخان بیگی

# نقش استدلال راهبردی در کشف و پیشگیری از تقلب

## تئوری بازیها چیست؟

آن چه در این تئوری به آن «بازی» اطلاق می شود عبارت است از: همکنشی هایی که در آن بین تصمیم دوطرف (یا بیشتر) وابستگی و ارتباط متقابل وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر می توان گفت: هرگاه مطلوبیت، سود، درآمد، رفاه و هر آنچه فرد بازیگر به دنبال آن است، نه تنها متأثر از تلاش و تصمیم خود او باشد بلکه تحت تاثیر (مثبت یا منفی) تلاش و تصمیم طرف دیگر نیز باشد، به آن بازی اطلاق می شود. محیطی را که در آن چنین تاثیر و واکنش متقابلی میان تصمیمهای افراد وجود داشته باشد محیط «راهبردی» می گویند. هر یک از تصمیمگیران در محیط راهبردی نیز «بازیگر یا بازیکن» نامیده می شوند. فرض اساسی این است که در محیط راهبردی بازیکن عاقلانه رفتار می کند؛ یعنی با در نظر گرفتن تاثیر احتمالی تصمیم خود بر دیگران، تصمیمی را می گیرد که بیشترین منافع را در بر داشته باشد. هدف اصلی نظریه بازیها دادن نگرش و دیدگاهی است که بر اساس آن بازیکنان می باید عاقلانه رفتار کنند.

## تفاوت میان تصمیمگیری و بازی

چنانچه یک نفر در رویارویی با دیگری بخواهد عملی را انجام دهد ولی به این امر آگاه باشد که طرف مقابل به آن عمل واکنش نشان خواهد داد، باید آن واکنش را در انجام عمل خود مدنظر قرار دهد؛ در این صورت است که وارد یک بازی شده است. این آگاهی دو طرفه مهمترین وجه تمایز بازی از تصمیم است. در حالی که تصمیم عبارت است از: حالتی که در آن فرد، عمل یا تصمیمی را می گیرد بی آنکه واکنش طرف مقابل برای او مهم باشد و یا بدون اینکه آن واکنش متقابل را در محاسبات خود منظور کند.

## برخی مفهوما و اصطلاحها در نظریه

### بازیها

الف) راهبرد: انتخابهای موجود و پیش روی یک بازیکن،  
ب) پیامدها: مقدار برد یا باخت و آنچه در انتهای یک بازی عاید بازیکنان می شود،  
ج) عقلانیت: هدف غایی هر یک از بازیکنان در بازی، و رسیدن به بالاترین یا بهترین پیام ممکن. اغلب در نظریه بازیها فرض بر این است که افراد بخوبی توان محاسبه راهبرد و پیروی از آنها را دارند. این فرض اساسی رفتار عقلایی نام دارد،  
د) تعادل: همواره سوال مطرح در هر بازی، این است که هر بازیکن چه راهبردی را باید انتخاب کند؟ در یک تعادل، هر بازیکن، آن راهبردی را به کار می برد که بهترین پاسخ به راهبردهای انتخابی سایر بازیکنان باشد.

### تقلب و استدلال راهبردی

تقلب تحریفی عمدی (راهبردی) است و به طبع وقوع یا عدم وقوع آن تحت تاثیر پیشبینی های حسابرس است در حالی که اشتباه، تحریفی غیر عمدی است و وقوع آن تحت تاثیر پیشبینی های حسابرس قرار نمی گیرد. تحقیقات انجام شده در زمینه کشف تقلب گویای آن است که هنگامی که حسابرسان همبستگی رفتاری بین رفتار خود و رفتار واحد مورد رسیدگی را در ارزیابی ریسک تقلب نادیده می انگارند، ریسک تقلب را به گونه ای اشتباه برآورد می کنند. لازمه تحلیل وابستگیهای رفتاری بین حسابرس و واحد مورد رسیدگی، به کارگیری **استدلال راهبردی**<sup>۱</sup> و کاربرد تئوری بازیها در ارزیابی ریسک تقلب است. در تئوری بازیها تلاش می شود رفتار بازیکن مقابل بر اساس واکنشی که او به بهترین رفتارهای پیشبینی شده حریف مقابل نشان می دهد، پیشبینی شود. نتایج تحقیقات محققان

گویای آن است که استانداردهای حسابرسی و به دنبال آن رویه های حسابرسی از کاربرد استدلال راهبردی در کشف تقلب جلوگیری می کند. لذا استانداردهای حسابرسی باید به گونه ای طراحی شوند که پیشبینی واحد مورد رسیدگی را تسهیل کنند.

### استدلال راهبردی و سطوح آن

توانایی حسابرس در پیشبینی رفتار حسابرسی شونده را نسبت به انتخابهای حسابرس، استدلال راهبردی می نامند. تحقیقاتی که در زمینه حسابرسی انجام شده است، سطوح متفاوتی را برای استدلال راهبردی تعیین کرده است. این تحقیقات به طور کلی سطوح استدلال راهبردی را به سه سطح تقسیم کرده اند. **استدلال سطح صفر**<sup>۲</sup>، سطح اول، **سطوح بالاتر**<sup>۳</sup>.

استدلال سطح صفر، استدلالی غیرراهبردی است و بدین معناست که حسابرسان تنها شرایطی را که بر روی آنها و نه دیگران تأثیر می گذارد، در نظر می گیرند. مدل ریسک حسابرسی و **تئوری تصمیمگیری انفرادی**<sup>۴</sup> نمونه ای از این نوع استدلال است. اگر رفتار حسابرسی شونده تحت تاثیر رفتار حسابرس قرار نگیرد (که البته این امر در هنگامی که ریسک تقلب وجود دارد، بعید به نظر می رسد)، آنگاه به کارگیری استدلال سطح صفر در هر کار حسابرسی مطلوب (بهینه) خواهد بود. استدلال سطح اول بدین معناست که حسابرس آن دسته از شرایطی را که مستقیماً بر روی حسابرسی شونده تاثیر می گذارد، در نظر می گیرد. در اینجا حسابرس فرض می کند که حسابرسی شونده از استدلال سطح صفر استفاده کرده و بر این اساس برنامه حسابرسی را با در نظرگیری انگیزه های حسابرسی شونده، طراحی می کند و توسعه می دهد. به عنوان

مثال هنگامی که حسابرسی شونده انگیزه پنهان سازی اطلاعات را دارد، حسابرس برنامه حسابرسی خود را به منظور کشف این پنهان کاری<sup>۵</sup> اصلاح می کند. در هنگام کاربرد این نوع استدلال به منظور ارزیابی ریسک تقلب، حسابرس امکان پیشبینی رفتار خود به وسیله حسابرسی شونده را در نظر نمی گیرد و بنابراین ممکن است رویه هایی را مورد استفاده قرار دهد که برای حسابرسی شونده آشناست.

در مقابل استدلال راهبردی سطوح بالاتر بدین معناست که حسابرس لایه های اضافه ای (از پیچیدگی) را، به صورت نامتناهی<sup>۶</sup>، در مورد این موضوع که مدیریت ممکن است رفتار او را پیشبینی کند، در نظر می گیرد. برای مثال مدیریت با کاربرد استدلال راهبردی سطح اول سعی بر آن دارد چگونگی تاثیر پذیری آزمونهای استاندارد حسابرسی را از شرایطی که حسابرس (با فرض آنکه از استدلال سطح صفر استفاده می کند) در حین انجام کار با آن مواجه می شود، تعیین نماید. شاید این تاثیر از طریق اصلاح حجم نمونه باشد. اگر چه، حسابرسی که از استدلال راهبردی سطح بالا استفاده می کند، ممکن است این رفتار مدیریت را پیشبینی کند و با به کارگیری رویه های غیر استاندارد، برنامه حسابرسی را تعدیل نماید. این رویه ها سعی در پیشبینی تصمیم های مدیریت دارند. بسیاری از محققان بر این باورند که کاربرد این نوع استدلال در کار حسابرسی، فرایندی غیر معمول و مشکل است.

### تحقیقات حسابرسی در زمینه استدلال راهبردی

به نظر برخی از محققان به علت وجود پدیده همبستگی راهبردی<sup>۷</sup> به کارگیری استدلال

راهبردی، چالش برانگیز است. همبستگی راهبردی عبارت است از درجه ای (میزانی) که تغییر در انتظارات حسابرس نسبت به اقدامات مدیر، بر روی رفتار و اقدامات مدیر تأثیر می گذارد. همبستگی راهبردی هنگامی حداکثر است که یک بازیکن بهترین واکنش خود را بر اساس پیشبینی بهترین واکنش رقیب، تغییر می دهد. بعضی از پژوهشگران کاربرد استدلال راهبردی را در حرفه حسابرسی مورد آزمون قرار دادند و دریافتند، در شرایط حسابرسی واقعی حسابرسی شونده تحت تأثیر شرایطی که حسابرس را متأثر می کند، قرار می گیرد و این امر نشان از رخداد استدلال راهبردی سطح اول دارد. البته این تحقیقات یادآوری می کند که تعیین سطح استدلال راهبردی به کار گرفته شده در فرایند حسابرسی، موضوعی قضوتی است. لازم به ذکر است که استانداردهای حسابرسی جاری که بر مبنای مدل ریسک حسابرسی قرار دارند، در زمینه در نظر گرفتن همبستگی راهبردی بین رفتار حسابرس و حسابرسی شونده موفق نبوده اند.

اگر چه انتظار نمی رود که استانداردهای حسابرسی به گونه ای رسمی تئوری بازیها را در نظر بگیرند، اما باور عموم آن است که استانداردهایی که توجه دقیقی به تئوری بازیها دارند می توانند با ترغیب حسابرسان به کاربرد استدلال راهبردی در فرایند حسابرسی، منجر به بهبودهای چشمگیری در کشف و پیشگیری از انجام تقلب شوند. در ادامه مقاله، به بیان مشکلات متداول ارزیابی ریسک تقلب در مراحل مختلف حسابرسی می پردازیم و کاربرد استدلال راهبردی را در برطرف سازی این مشکلات شرح می دهیم.

### چالشهای ادراکی مرتبط با پردازش نشانه های تقلب<sup>۸</sup>

تا سالیان متمادی استانداردهای حسابرسی، حسابرسان را بر آن می داشت تا جهت پیشبینی تقلب بر نشانه های قرمز تمرکز کنند. استانداردهای حسابرسی شماره ۵۳، ۸۲، ۹۹ همه شامل فهرست بلندبالایی از نشانه های تقلب اند. این استانداردها، حسابرسان را بر آن می دارد که چک لیستهایی را تهیه کنند و از آنها به منظور اطمینان یافتن از در نظر گرفتن هر نشانه، استفاده کنند. چک لیستها مبتنی بر استدلال راهبردی سطح اول هستند و حسابرسان را نسبت به رفتارها، انگیزه ها و فرصتهای مدیریت آگاه می سازند. اما به این امر که چگونه مدیریت می تواند نشانه های موجود در این چک لیستها را دستکاری کند، توجهی نشان نمی دهند. نقص یاد شده در در نظر نگرفتن واکنش (مدیریت) مانع از طراحی رویه های حسابرسی پیش بینی ناپذیر به وسیله حسابرس، می گردد. اگر چه نشانه های ذکر شده در چک لیستها ممکن است حسابرسان را در راستای پرداختن به استدلال راهبردی سطح اول یاری کند، اما مرور لیستی از نشانه ها، با محدود کردن ادراک حسابرسان، این امر را که حسابرسان خود را جای حسابرسی شونده قرار دهند، دشوار می سازد.

### چک لیستهای تقلب، اثر رقیق کنندگی و استدلال راهبردی

اثر رقیق کنندگی<sup>۹</sup> چک لیستهای تقلب زمانی رخ می دهد که حسابرسان بر نشانه هایی که در ارزیابی ریسک تقلب مربوط نیستند یا در این ارزیابی اثر بسیار کمی دارند، بیش از حد اتکا کنند. در یکی از تحقیقات انجام شده دو گروه از حسابرسان با دو مجموعه از اطلاعات سنجیده شدند.

یک گروه اطلاعات نامربوط را قبل از اطلاعات مربوط بررسی می‌کرد و گروه دیگر تنها اطلاعات مربوط را مورد بررسی قرار می‌داد. نتایج نشان داد، حسابرسی که اطلاعات نامربوط را بررسی کردند نسبت به حسابرسی که تنها اطلاعات مربوط را مورد بررسی قرار دادند، ریسک تقلب را کمتر ارزیابی کردند. لذا محققان معتقدند چک لیستهای تقلب را می‌توان به گونه‌ای ساختاردهی کرد که به‌کارگیری استدلال راهبردی را تسهیل و دقت رویه‌های حسابرسی مرتبط با ارزیابی ریسک تقلب را افزایش دهد. اما این سوال مطرح می‌شود که چگونه؟ **تئوری تقلب**<sup>۱۰</sup> در این مورد یک **راه حل بالقوه**<sup>۱۱</sup> فراهم می‌آورد. با توجه به اینکه تقلب از تقابل سه فاکتور انگیزه، فرصت و توجیه (مثلث تقلب)، شکل می‌گیرد، چک لیستهای تقلب با گنجانیدن این سه عامل در خود، می‌توانند پردازش نشانه‌های تقلب به‌وسیله حسابرسان را بهبود بخشند و ظرفیت ادراکی آنان را در زمینه تعیین رفتار مدیریت افزایش دهند.

### تجزیه، اختیار و استدلال راهبردی

یک راه افزایش دقت تصمیم‌گیری (و قضاوت) تجزیه یک تصمیم به اجزای تشکیل دهنده آن و بررسی هر یک از اجزا به صورت جداگانه و در نهایت ترکیب آن اجزا به منظور گرفتن تصمیم کلی است. این پدیده با تعدیل فرایند جستجوی اطلاعات به‌وسیله تصمیم‌گیرندگان، کیفیت تصمیم‌های آنان را ارتقا می‌دهد.

در بیانیه شماره ۹۹ استانداردهای حسابرسی آمریکا اقدام به دسته‌بندی نشانه‌های تقلب شده است. اگر چه دسته‌بندی این نشانه‌ها ممکن است به گسترش دامنه تفکر حسابرسان در ارزیابی

عوامل تقلب کمک کند، اما تحقیقات نشان می‌دهد که ارزیابی جداگانه ریسک مربوط به هر یک از ابعاد مثلث تقلب منجر به افزایش حساسیت حسابرسان نسبت به نشانه‌های تقلب می‌گردد. بنابراین، اگر حسابرسان به ارزیابی جداگانه هر یک از عناصر مثلث تقلب ملزم شوند، آنگاه ممکن است بهتر قادر باشند نشانه‌های مربوط را با هم هماهنگ کنند و بر نشانه‌هایی که به صورتی طبیعی کمتر از واقع ارزیابی می‌شوند، تمرکز کنند. اگر چه مشاهده رفتار اخلاقی مدیریت منجر به ارزیابی ریسک تقلب در سطح پایینی می‌شود اما تدوین‌کنندگان استاندارد همواره بیم دارند که مبادا تمرکز بر نشانه‌های رفتاری که نشانگر ریسک پایین تقلب است، باعث شود حسابرسان ریسک تقلب را با وجود بالا بودن ریسک انگیزه و فرصت، به اشتباه کمتر از واقع ارزیابی کنند.

### اتکاپذیری نشانه‌های تقلب

ماهیت راهبردی تقلب ایجاب می‌کند که حسابرسان توانایی واحد مورد رسیدگی را در دستکاری نشانه‌های تقلب مورد توجه قرار دهند. لذا حسابرسان باید در اتکا بر نشانه‌هایی که گویای سطح پایین ریسک تقلب است و در عین حال می‌توانند به وسیله مدیریت دستکاری شوند، محتاط باشند.

در این راستا استانداردهای مربوط به ارزیابی ریسک تقلب می‌توانند با الزام حسابرسان به شناسایی کلیه نشانه‌هایی که نشاندهنده ریسک پایین تقلب هستند و ارزیابی راههایی که مدیریت با دستکاری نشانه‌ها می‌تواند بر درک (ارزیابی) حسابرسان از ریسک تقلب تأثیر بگذارد، آنها را به استفاده از استدلال راهبردی

سطح اول و سطوح بالاتر تشویق کنند.

### پیشبینی پذیری و نقش ماهیت، زمانبندی و محدوده شواهد

زمانی که برنامه حسابرسی از پیشبینی‌پذیری بالایی برخوردار باشد، احتمال کشف نشدن تقلبها وجود دارد. قابلیت پیش‌بینی آزمونه‌های حسابرسی می‌تواند از طریق تغییرات در ماهیت، زمانبندی و یا محدوده شواهدی که در طول یک کار حسابرسی جمع‌آوری می‌گردد، تغییر کند؛ اگرچه اجرای برخی رویه‌ها از جمله تایید حسابهای دریافتی در کلیه کارهای حسابرسی الزامی است، ماهیت این رویه‌ها را می‌توان به منظور محدود کردن ابزارهای پنهان‌سازی حسابرسی شونده، تعدیل کرد. به‌عنوان مثال، حسابرسی که به منظور اثبات وجود موجودیهای کالا از مشاهده استفاده می‌کند، می‌تواند به منظور بررسی دقیقتر از حسابرسی شونده بخواهد بسته‌هایی که دسترسی به محتوای آنها مشکل است باز کند. **زمانبندی شواهد**<sup>۱۲</sup> اشاره به زمان مشاهده یا جمع‌آوری شواهد دارد. این زمان ممکن است در طول سال یا در انتهای سال باشد. در آخر محدوده شواهد به اندازه نمونه یا نسبتی از جامعه که امکان جمع‌آوری شواهد در مورد آنها وجود دارد، اشاره می‌کند. زمانی که محدودیت‌های مربوط به **دامنه کار**<sup>۱۳</sup> به حسابرسی شونده امکان پنهان‌سازی تعداد زیادی از تقلبهای کوچکی را که در مجموع با اهمیت هستند، بدهد، حسابرس باید رویه‌های تکنیکی یا تحلیلی را به منظور آزمون کل جامعه به‌کار گیرد.

### ماهیت شواهد حسابرسی و کشف تقلب

با توجه به مطالب بالا، محققان توصیه



می‌کنند سیاست‌های حسابرسی به گونه‌ای تدوین شود که حساب‌رسان را در راستای تعدیل ماهیت یا زمانبندی آزمون‌های حسابرسی، ترغیب کند.

نتایج تحقیقات گویای آن است که، حساب‌رسان برنامه حسابرسی را به گونه‌ای طراحی می‌کنند که در سال‌های مختلف شواهد یکسانی را جمع‌آوری کنند و بدین وسیله ماهیت شواهدی را که گردآوری می‌نمایند، ثابت نگاه می‌دارند. مطالعات صورت گرفته در زمینه تقلب گویای آن است که الزام حساب‌رسان به **ارزیابی صریح**<sup>۱۴</sup> ریسک تقلب تنها منجر به ایجاد تغییراتی در محدوده شواهد گردآوری شده می‌گردد و تغییری در ماهیت آنها ایجاد نمی‌کند.

در تشریح اینکه چرا حساب‌رسان غالباً در رویارویی با افزایش ریسک تقلب، ماهیت برنامه‌های حسابرسی خود را تغییر نمی‌دهند، دلایل متعددی بیان شده است. اول اینکه حساب‌رسان برای انتخاب، با مجموعه متنوعی از شواهد مواجه نیستند.

دوم اینکه حساب‌رسان به همان اندازه که در **درک بالقوه**<sup>۱۵</sup> بر ای کشف تقلب با شکست مواجه شده‌اند، در تغییر در ترکیب رویه‌های استاندارد که از نظر ماهیت متفاوت هستند نیز با شکست مواجه گردیده‌اند. لازم به ذکر است که اگر حساب‌رسان تنها در محدوده شواهدی که جمع‌آوری می‌کنند، تغییراتی ایجاد کند، حسابرسی شونده می‌تواند ماهیت شواهد

حسابرسی را پیشبینی کند و تقلبات را پنهان نماید. دلیل سومی که برای نبود تغییرپذیری در ماهیت برنامه‌های حسابرسی وجود دارد این است که حساب‌رسان ارزیابی میزان اثرگذاری آزمون‌های متفاوت در کشف تقلب را دشوار می‌دانند.

محققان بر این باورند که الزام حساب‌رسان به انعکاس چگونگی ممانعت از پنهان‌سازی تقلب به‌وسیله مدیریت، احتمالاً منجر به ارتقای میزان تغییرات در ماهیت شواهد حسابرسی می‌شود. استانداردهای موثر، استانداردهایی هستند که حساب‌رسان را در راستای استفاده از استدلال راهبردی در برنامه حسابرسی تشویق کنند. با استفاده از این نوع استدلال، حساب‌رسان می‌توانند این امر را که حسابرسی شونده چگونه ممکن است تقلب را از دید رویه‌های استاندارد حسابرسی پنهان نگاه دارد، مد نظر قرار دهد.

### برنامه‌های استاندارد حسابرسی و استدلال راهبردی

یکی دیگر از محققان تأثیر برنامه‌های استاندارد حسابرسی را بر روی تصمیم‌های مربوط به برنامه‌ریزی کشف تقلب مورد آزمون قرار داد. نتایج تحقیق نشان داد آن دسته از حساب‌رسانی که در طول کار حسابرسی از برنامه‌های استاندارد حسابرسی بهره گرفتند نسبت به آن دسته که از برنامه‌های استاندارد حسابرسی استفاده نکردند، آزمون‌های کمتری به منظور

کشف تقلب انجام دادند. این نتایج گویای آن است که برنامه‌های استاندارد حسابرسی توانایی حساب‌رسان را در به‌کارگیری استدلال راهبردی در راستای انتخاب رویه‌های موثر به منظور کشف تقلب، محدود می‌سازد. بنابراین استانداردهای حسابرسی باید مسئله حذف استفاده از برنامه‌های استاندارد حسابرسی به منظور کشف تقلب را مورد توجه قرار دهد.

استانداردهای حسابرسی اخیر به گونه‌ای توسعه یافته‌است که می‌تواند منجر به تسهیل کاربرد استدلال راهبردی در بین اعضای تیم حسابرسی گردد. به عنوان مثال استاندارد شماره ۹۹ هیئت استانداردهای حسابرسی بیان می‌کند که اعضای تیم حسابرسی باید در مورد ارائه اشتباه آن دسته از اقلام که دارای سطح اهمیت بالا هستند و احتمالاً منجر به تقلب می‌شوند، با یکدیگر بحث کنند.

### فراگیری در حین حسابرسی

یکی از نکته‌های درخور توجه در تئوری بازیها نیاز افراد به یادگیری راهبردهای حریف مقابل در خلال یک **بازخورد مکرر**<sup>۱۶</sup> است. شرکت‌کنندگان در یک بازی بر مبنای این تئوری، رفتار خود را در یک چرخه بازخورد مکرر از طریق یادگیری از راهبردهای حریف مقابل و با توجه به **مبانی روانشناسی**<sup>۱۷</sup> اصلاح می‌کنند. بنابراین، هر چه محیط برای یادگیری شرکت‌کننده مساعدتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد

## توانایی حساب‌رسان در پیشبینی

## رفتار حسابرسی شونده را نسبت به انتخاب‌های حساب‌رسان

## استدلال راهبردی می‌نامند

که بازیکن راه حل بهینه را برگزیند (راه‌حلی که بر اساس آن بر حریف مقابل خود غالب شود). از آنجا که حساب‌رسان از این بازخورد استفاده نمی‌کنند و راهبردهای برگزیده خود را تعدیل نمی‌نمایند، لذا محیط حساب‌رسی عموماً به‌عنوان محیطی مساعد جهت یادگیری شمرده نمی‌شود.

با توجه به اهمیت یادگیری از رفتار حریف مقابل در کاربرد استدلال راهبردی، عقیده بر آن است که استانداردهای حساب‌رسی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که حساب‌رسان را در راستای حداکثر کردن فرصتهای یادگیری یاری دهد. یکی از فرصتهای مهم برای یادگیری زمانی است که حساب‌رسان با کارکنان شرکت مورد حساب‌رسی به‌صورت متقابل رابطه دارند. در این زمان حساب‌رسان می‌توانند تمایل یا نبود تمایل مدیریت را نسبت به انجام رویه حساب‌رسی خاص بررسی کنند.

فرصت دیگر به‌منظور دریافت بازخورد، زمانی است که حساب‌رسان اشتباهی را در ارائه ارقام کشف می‌کنند. در این هنگام حساب‌رسان باید تعیین کنند، آیا اشتباه مربوط، عمدی بوده است یا سهوی. تعیین این امر به احتمال، دشوار است. اما در این زمینه مشاهده سایر تلاش‌های مدیر جهت مدیریت سود می‌تواند به حساب‌رسان کمک نماید. در نتیجه حساب‌رسان باید به دقت هر گونه تلاش مدیریت در راستای دستکاری حساب‌ها یا نتایج حساب‌رسی را مورد توجه قرار دهند. در برخی موارد، ممکن است کشف اقدامات راهبردی مدیر مشکل باشد زیرا این اقدامات در سطح کل سازمان یا سیستم حسابداری پراکنده است. بازنگری و بررسی کامل ارتباط حساب‌رسان با مدیریت در خلال حساب‌رسی جاری و حساب‌رسی‌های

قبلی، ممکن است حساب‌رسان را در درک رفتار راهبردی مدیریت یاری کند. این اقدامات زمانی موثر خواهند بود که منجر به ارزیابی دوباره ریسک در خلال حساب‌رسی شوند. همزمان با اینکه حساب‌رسان در مورد الگوهای رفتاری مدیریت به‌منظور دستکاری نتایج حساب‌رسی بحث می‌کنند باید خود را در استدلال راهبردی نیز درگیر کنند و برنامه حساب‌رسی را مورد بازبینی قرار دهند.

استدلال راهبردی دوباره باید به پاسخگویی به این سوال پردازد که مدیریت چگونه می‌تواند تقلبی را از حساب‌رسان مخفی نگاه دارد و به‌دنبال پاسخگویی به این سوال، حساب‌رسان قادر خواهند بود رویه‌های حساب‌رسی را که توسط مدیریت پیشبینی‌پذیر نیست طراحی کنند.

### اتکا بر قضاوت‌های پیشین

قرار گرفتن در موقعیتهایی که حساب‌رسان به صورت تکراری با آنها روبه‌رو می‌شود و در حساب‌رسی‌های قبلی در آن موارد تصمیم‌هایی را گرفته است منجر می‌شود به اینکه حساب‌رسان جهت ارزیابی ریسک تقلب بر ارزیابی‌های پیشین<sup>۱۸</sup> اتکا کنند و یادگیری (فراگیری) موثری از علامتهایی که در حین حساب‌رسی دریافت می‌دارند، نداشته باشند. حساب‌رسان به سختی می‌توانند بر قضاوت‌های اولیه (تکیه‌گاه نخستین) خود غلبه کنند به خصوص زمانی که در مورد انجام مؤثر حساب‌رسی تحت فشار است.

برخی شرکتهای تجاری برای حساب‌رسانی که در زمینه حساب‌رسی شرکت آنان سابقه قبلی دارند، اعتبار خاصی قائلند و ترجیح می‌دهند که کار حساب‌رسی واحد تجاری توسط چنین حساب‌رسانی صورت گیرد. اما در زمینه‌های راهبردی، این امر ممکن

است موجب شود حساب‌رسان نشانه‌های جدید تقلب را نادیده گرفته و از این طریق منجر به افزایش توانایی مدیریت در زمینه پیشبینی رفتار حساب‌رسان شوند. تحقیقات بیان می‌کنند که عقاید حساب‌رسان در مورد ریسک تقلب واحد تجاری که در سال‌های پیشین مورد رسیدگی آنها قرار گرفته است، حتی اگر شواهد جدید حکایت از آن داشته باشند که انجام چنین تغییری ضروری است، به سختی تغییر می‌کند (یا حتی تغییر نمی‌کند). در نتیجه استانداردهای حساب‌رسی باید حساب‌رسان را در زمینه اتکانکردن به ارزیابی قبلیشان در مورد ریسک تقلب واحد تجاری یا اتکانکردن بر برنامه‌های حساب‌رسی پیشین تشویق کنند. به‌عنوان مثال، حساب‌رسان می‌توانند ملزم به مستندسازی روابط (فعل و انفعالات) خود با مدیریت در هر یک از نواحی حساب‌رسی و چگونگی تاثیر این روابط بر ریسک تقلب، گردند.

راه دیگر آن است که حساب‌رسان به چرخش کارکنان گروه حساب‌رسی ملزم شوند تا به این ترتیب دیدگاه‌های جدیدی نسبت به ریسک حساب‌رسی و نشانه‌های مربوط به آن، در یک کار حساب‌رسی ایجاد شود. یکی از محققان دریافت که بررسی‌های شریک دوم، در کشف تقلب، زمانی که آنها به‌گونه‌ای مستمر به نتایج غیرمنتظره به‌عنوان نشانه‌ای از تقلب می‌نگرند، بسیار مؤثر است.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد تا با به‌کارگیری دیدگاه مبتنی بر تئوری بازیها و استدلال راهبردی در زمینه تقلب، سیاستها و رویه‌های حساب‌رسی گسترش داده شود که

- 9- Dilution Effect
- 10- Fraud Theory
- 11- Potential Solution
- 12- Timing of the Evidence
- 13- Scope Limitation
- 14- Explicity Asses
- 15- Potential Perceive
- 16- Repeated Feedback
- 17- Psychological Basis
- 18- Pirior Judgment

### منابع:

- عبدلی قهرمان، نظریه بازیها و کاربردهای آن، استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶
- قاسم بولو، مسئولیت حسابرسان برای کشف تقلب بر اساس بیانیه شماره ۹۹ استانداردهای حسابرسی آمریکا، حسابرس، شماره ۲۰، ۱۳۸۲
- Chak-Tong Chau, **Game Theory and Strategic Auditing: Part I**, Managerial Auditing Journal, 1996
- Chak-Tong Chau, **Game Theory and Strategic Auditing: Part II**, Managerial Auditing Journal, 1996
- T. Jeffrey Ilka & Mark F., Zimbelman, **Using Game Theory and Strategic Reasoning Concepts to Prevent Fraud**, Accounting Horizon, Vol.18, No. 3, 2004
- Vicky B. Hoffman & Mark F., Zimbelman, **Do Strategic Reasoning & Brain Storming Help Auditors Change Their Standard Audit Procedures in Response to Fraud Risk?**, available on www.ssrn.com
- Richard J. Fairchild, **Does Audit Tenure Lead to More Fraud? A Game-theoretic Approach**, Available on www.ssrn.com
- Jeffry Wilks & Mark F. Zimbelman, **The Effects of Fraud Triangle Decomposition of Fraud Risk Assessments on Auditors Sensivity to Incentive and Opportunity Cues**, Available on www.aaahq.org

همچنین چگونگی پنهان سازی آنها، به کاربرد استدلال راهبردی ملزم نمایند.

• استانداردهای حسابرسی باید دارای این هدف باشند که حسابرسان را به جمع آوری شواهدی جدید، غیر معمول و تصادفی که توسط مدیریت پیشبینی پذیر نباشد، تشویق کنند.

در نهایت، در ارتباط با اجرای برنامه حسابرسی موارد زیر ذکر شدنی است:

• در راستای انجام مؤثر استدلال راهبردی یادگیری از تجربه‌ها، ضروری است،

• حسابرسان اغلب نسبت به شواهد جدید مرتبط با ریسک تقلب حساس نیستند، در نتیجه می‌توانند از روابط خود با کارکنان صاحبکار، بازخورد بیشتری دریافت نموده و از این بازخوردها در راستای تعدیل ارزیابی خود در مورد ریسک تقلب و اصلاح برنامه حسابرسی سود جویند،

• استانداردهای حسابرسی ممکن است از طریق الزام حسابرسان به مستندسازی و مکاتبه ماهیت روابط خود با مدیریت، منجر به ارتقای پدیده یادگیری در محیط حسابرسی گردند.

اعتقاد بر این است که همین که حسابرسی شونده‌گان مشاهده نمایند که حسابرسان به گونه‌ای اثربخش استدلال راهبردی را در فرایند حسابرسی به کار می‌گیرند، به کشف تقلب کمک می‌کنند.



### پانوشتها:

- 1- Strategic Reasoning
- 2- Zero-Order Reasoning
- 3- Higher-Order
- 4- Single Person Decision Theory
- 5- Concealment
- 6- Potentially Infinite
- 7- Strategic Dependency
- 8- Congnitive Challenge With Processing Fraud Cues

توانایی حسابرسان را در کشف و پیشگیری از تقلب افزایش دهد. به طور کلی به علت ماهیت راهبردی تقلب، بهتر آن است که استانداردهای حسابرسی با هدف تشویق حسابرسان در به‌کارگیری استدلال راهبردی تدوین شوند. به‌طور اخص، در این مقاله، مطالبی در زمینه سه وظیفه اصلی حسابرسان- ارزیابی ریسک تقلب، برنامه‌ریزی حسابرسی و اجرای برنامه حسابرسی- ارائه شد.

در ارتباط با ارزیابی ریسک تقلب موارد زیر درخور ذکر است:

- حسابرسانی که در ارزیابی ریسک تقلب از لیستهای بلندبالا و چک لیستهای تقلب استفاده می‌کنند، عموماً در ارزیابیهای مرتبط با ریسک تقلب به‌درستی عمل نمی‌کنند،
- حسابرسان عموماً نشانه‌هایی را که نشان‌دهنده ویژگیهای رفتاری مدیریت می‌باشد بیشتر از واقع ارزیابی می‌کنند حتی اگر این نشانه‌ها، اتکانا پذیر باشند،
- استانداردهای حسابرسی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که حسابرسان را در زمینه در نظر قرار دادن چگونگی دستکاری نشانه‌های تقلب توسط مدیریت، ترغیب نمایند.

در ارتباط با برنامه‌ریزی حسابرسی موارد زیر درخور ذکر است:

- حسابرسان باید استفاده از رویه‌های حسابرسی را که به‌وسیله مدیریت پیشبینی پذیر نباشند توسعه دهند. خصوصاً پیشبینی ناپذیری از لحاظ ماهیت شواهد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است،
- استانداردهای حسابرسی باید حسابرسان را از طریق مد نظر قرار دادن انواع تقلبهایی که مدیریت ممکن است مرتکب شود و



## ارزش منصفانه برای اروپایی‌ها تغییر نخواهد کرد

دیوید توئیدی (David Tweedie) رئیس هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) گفت: «قواعد ارزش منصفانه صرفاً بخاطر تقاضاهای اتحادیه اروپا (EU) تغییر نخواهند کرد.»

رئیس هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری با فشار سیاسی زیادی برای اصلاح قواعد ارزش منصفانه که به دلیل نقش داشتن در سقوط بانکها در بحران اعتباری مورد انتقاد قرار گرفته، روبرو بوده است.

اخیراً، لرد ترنر (Lord Adair Turner) رئیس سازمان خدمات مالی بریتانیا (FSA) خواهان تغییراتی در حسابداری ارزش منصفانه شد تا به این ترتیب استفاده از آن را محدود سازد.

اما توئیدی به هیئت گفته بود که در برابر فشارها سر تعظیم فرود نخواهد آورد. وی به خبرنگاران در برزیل گفت: «ما نمی‌توانیم پیوسته مقررات حسابداری را برای بخش خاصی از جهان تغییر دهیم... ما نمی‌توانیم همیشه به اروپا اجازه دهیم به ما بگویند که چه کاری انجام دهیم... این هیئت، جهانی است. ما هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری هستیم، نه یک هیئت استاندارداروپایی.»

دیدگاه‌های توئیدی درباره ارزش منصفانه شناخته شده است. وی در کمیته انتخابی خزانه‌داری برای بررسی بحران بانکداری در سال پیش، از قواعد حسابداری ارزش بازار به عنوان منصفانه‌ترین روش ارزش‌گذاری ابزارهای مالی دفاع کرد و به مجله **اکانتنسی** (Accountancy) گفت که فشار سیاسی تقریباً او را مجبور به انصراف از ریاست هیئت می‌کند.

وی اضافه کرد: «بازار احتمالاً بهترین راه ارزیابی تعیین ارزش فعلی ابزارهای مالی است. بعضیها در اروپا عقیده دارند که «ارزش بازار از ارزش منصفانه خیلی بالاتر است». ارزیابیها، در سراسر جهان به ما می‌گویند که باید آن چه را که مردم از ما می‌خواهند انجام دهیم.»

هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری در حال حاضر در جهت ایجاد یک مجموعه استانداردهای حسابداری جهانی مشغول گفتگو با همتای آمریکایی خود، هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) است تا به این ترتیب آمریکا قواعد پذیرفته‌شده حسابداری (US GAAP) را رها و خود را با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) همگام سازد.

در همین حال اخبار رسیده حاکی از آن است که نیکولا سرکوزی رئیس جمهور فرانسه به گروهی از شرکت‌کنندگان در یکی از نشستهای مجمع عمومی اقتصاد در داووس (Davos) گفته است که به‌عنوان رئیس نشست وزرای مالی گروه ۲۰ (G20)، حسابداری را در مرکز توجه قرار خواهد داد و از ایجاد یک مجموعه مقررات جهانی حمایت خواهد کرد.

[www.accountancy.com](http://www.accountancy.com)

